Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Defense Studies

https://sds.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8286

Vol. 24, Special Issue, No. 105, Summer 2026 **Received:** 2026/06/29 **Accepted:** 2026/08/27

Research paper

Coastal Spatial Planning and Territorial Defense: Challenges and Weaknesses (A Case Study of Iran's Coasts along the Persian Gulf)

Ali Asghar Beekbilandi
Professor and Faculty Member, Faculty of Defense, Supreme National Defense University, Tehran, Iran (Corresponding Author).
Email: Ali.biek@yahoo.com
Masoud Pourali, Jasem Akbarizadeh, Sadegh Heydari, Seyed Ahmad Ghoreyshi, Davood Mohammadi, Ahmad Keshavarz
PhD Candidate in Geopolitics and Geostrategy, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

Abstract

Coasts, particularly in strategic regions, are not merely areas for economic development and human settlement; rather, they function as geopolitical, security, and defense spaces within the country's spatial organization. In this context, Iran's coasts along the Persian Gulf are of particular importance due to their proximity to vital energy routes, the concentration of port and industrial infrastructure, the presence of strategic islands, and their connection to national security. This study aims to examine the challenges and weaknesses of coastal spatial planning in relation to territorial defense along Iran's coasts of the Persian Gulf. The study was conducted using an applied approach and a descriptive-analytical method combined with a mixed-methods (qualitative–quantitative) approach. In the first stage, the challenges were identified through the participation of 12 experts. In the second stage, the Delphi technique was employed in four rounds to validate the identified challenges and achieve controlled consensus. In the third stage, a researcher-developed questionnaire was distributed among 100 experts and managers in the fields of spatial planning and territorial defense. The data were analyzed using descriptive and inferential statistics, including the one-sample *t*-test and the Friedman test. The findings showed that, based on the risk model (threat × vulnerability), six major challenges were identified: governance; spatial development; environmental and resilience; security and defense; socioeconomic; and technological challenges. Among these, the security and defense challenge was assigned the highest priority.

Keywords: Coastal Spatial Planning; Territorial Defense; Northern Coasts of the Persian Gulf; Geopolitics

فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک

سال بیست و چهارم، ویژه‌نامه (پیاپی ۱۰۵)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۵-۳۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۵

مقاله پژوهشی

آمایش ساحلی و دفاع سرزمینی، چالش‌ها و ضعف‌ها (مطالعه موردی: سواحل ایران در خلیج‌فارس)

علی‌اصغر بیک بیلندی
استاد و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی، دانشکده دفاع، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
Email: Ali.biek@yahoo.com
مسعود پورعلی، جاسم اکبری‌زاده، صادق حیدری، سید احمد قریشی، داود محمدی، احمد کشاورز
دانشجوی دکتری رشته ژئوپلیتیک و ژئواستراتژی دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

چکیده

سواحل، به‌ویژه در مناطق راهبردی، صرفاً عرصه‌هایی برای توسعهٔ اقتصادی و سکونتگاهی نیستند، بلکه به‌عنوان فضاهای ژئوپلیتیکی، امنیتی و دفاعی در سازمان فضایی کشور نقش‌آفرینی می‌کنند. در این میان، سواحل ایران در خلیج‌فارس به‌دلیل مجاورت با مسیرهای حیاتی انرژی، تمرکز زیرساخت‌های بندری و صنعتی، وجود جزایر راهبردی و پیوند با امنیت ملی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. هدف این پژوهش، بررسی چالش‌ها و ضعف‌های آمایش ساحلی در نسبت با دفاع سرزمینی در سواحل ایران در خلیج‌فارس است. پژوهش حاضر با رویکردی کاربردی و با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد آمیخته (کیفی-کمّی)، اجرا گردید. در مرحله نخست با حضور ۱۲ نفر از خبرگان، چالش‌ها استخراج شد. در مرحله دوم، به‌منظور اعتبارسنجی و دستیابی به اجماع کنترل‌شده، تکنیک دلفی در چهار دور به‌کار گرفته شد. در مرحله سوم، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته در میان ۱۰۰ نفر از متخصصان و مدیران حوزه آمایش و دفاع سرزمینی توزیع و داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی (آزمون تی تک‌نمونه‌ای و فریدمن) تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد براساس مدل ریسک (تهدید × آسیب‌پذیری)، شش چالش اصلی شامل چالش‌های حکمرانی، توسعه فضایی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری، امنیتی و دفاعی، اقتصادی-اجتماعی و فناوری شناسایی شد که چالش امنیتی-دفاعی بالاترین اولویت را داشت.

کلیدواژه‌ها: آمایش ساحلی، دفاع سرزمینی، سواحل شمالی خلیج‌فارس، ژئوپلیتیک

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

آمایش سرزمینی در دهه‌های اخیر از سطح یک ابزار صرف برنامه‌ریزی فضایی فراتر رفته و به‌مثابه رویکردی راهبردی برای سامان‌دهی رابطه میان انسان، فضا و فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و امنیتی مطرح شده است. این رویکرد با هدف تحقق توسعهٔ پایدار، برقراری عدالت فضایی، بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های سرزمینی، توزیع متوازن جمعیت و استقرار هدفمند زیرساخت‌ها، نقش مهمی در تقویت امنیت ملی ایفا می‌کند. در این چهارچوب، یکی از مسائل اساسی در مناطق راهبردی کشور، ضرورت تلفیق ملاحظات دفاعی و امنیتی با برنامه‌ریزی‌های آمایشی است؛ ضرورتی که در نواحی ساحلی جنوب ایران، به‌ویژه سواحل شمالی خلیج‌فارس، اهمیت بیشتری می‌یابد (مظاهری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲).

سواحل شمالی خلیج‌فارس به‌واسطه موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خود، جایگاهی تعیین‌کننده در نظام دفاع سرزمینی جمهوری اسلامی ایران دارند. این پهنه راهبردی، علاوه بر تمرکز بخشی از مهم‌ترین بنادر، زیرساخت‌های انرژی، تأسیسات حیاتی و سکونتگاه‌های ساحلی کشور، به‌عنوان یکی از خطوط مقدم مواجهه با تهدیدات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز شناخته می‌شود. ازاین‌رو، نحوه سازمان‌دهی فضایی فعالیت‌ها، استقرار زیرساخت‌ها، توزیع جمعیت، پیوند ساحل با پس‌کرانه و میزان تاب‌آوری محیطی و کالبدی این منطقه، می‌تواند بر کارآمدی دفاع سرزمینی اثر مستقیم داشته باشد.

با وجود این اهمیت، شواهد حاصل از مطالعات اسنادی و بررسی‌های میدانی نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از برنامه‌ها و طرح‌های آمایش سرزمینی در این منطقه، عمدتاً با رویکردهای اقتصادی، بخشی و توسعه‌محور تدوین شده و پیوند مؤثری میان آن‌ها و الزامات دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل برقرار نشده است. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری الگوهایی از توسعه فضایی است که در برخی موارد با اصول دفاع سرزمینی، تاب‌آوری زیرساختی و پایداری امنیتی هم‌خوانی کافی ندارند. چنین الگویی در شرایط بحران می‌تواند کارآمدی زیرساخت‌های پشتیبان، امکان واکنش سریع، پایداری خدمات حیاتی و میزان

تاب‌آوری تأسیسات راهبردی را با مخاطره مواجه سازد (بختیاری، ۱۴۰۲: ۶).

از منظر مفهومی، دفاع سرزمینی مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و سازمان‌یافته برای حفاظت از سرزمین، جمعیت، منابع ملی و زیرساخت‌های حیاتی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی است. در چنین بستری، آمایش سرزمینی با رویکرد دفاع‌محور می‌تواند از طریق توزیع متوازن فعالیت‌ها، کاهش تمرکز آسیب‌پذیر زیرساخت‌های حیاتی، تقویت پیوند ساحل و پس‌کرانه، افزایش بازدارندگی و ارتقای تاب‌آوری مناطق حساس، نقش مؤثری در پشتیبانی از دفاع سرزمینی ایفا کند. بااین‌حال، در سواحل شمالی خلیج‌فارس، ملاحظات دفاعی هنوز به‌صورت جامع، نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل‌های تخصصی در فرایندهای آمایش منطقه‌ای ادغام نشده‌اند (زرقانی و اعظمی، ۱۳۹۰: ۳۴). همچنین تأکیدات مکرر رهبر انقلاب اسلامی بر بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های دریایی کشور، ضرورت بازاندیشی در الگوهای برنامه‌ریزی، توسعه و ساماندهی فضایی این منطقه را بیش از پیش آشکار می‌سازد (بیک‌محمدلو، ۱۴۰۲: ۲۲).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که بخش عمده مطالعات انجام‌شده، یا بر ابعاد تهدیدات نظامی و امنیتی متمرکز بوده‌اند (معظمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ بوالحسنی، ۱۴۰۲)، یا در مقیاس‌های محدود و موردی به بررسی مناطق خاص پرداخته‌اند (بیات، ۱۴۰۲؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۰). درنتیجه، هنوز پژوهشی جامع که به‌صورت نظام‌مند چالش‌های آمایش ساحلی مؤثر بر دفاع سرزمینی در سواحل شمالی خلیج‌فارس را شناسایی، اعتبارسنجی و اولویت‌بندی کرده باشد، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ علمی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

براین‌اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آمایش سرزمینی سواحل شمالی خلیج‌فارس با چه چالش‌ها و ضعف‌هایی مواجه است؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از رویکرد آمیخته و استفاده از روش‌های کیفی و کمی، ازجمله مطالعات اسنادی، مصاحبه با خبرگان، گروه کانونی، تکنیک دلفی و پرسش‌نامه محقق‌ساخته، درصدد شناسایی، اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مهم‌ترین چالش‌های موجود برآمده است.

وجه نوآورانه این پژوهش در طراحی و به‌کارگیری «ماتریس چالش‌ها» بر پایه رابطه «تهدید × ضعف = چالش» است. براساس این چهارچوب تحلیلی، هر چالش کلان حاصل برهم‌کنش تهدیدات بیرونی با ضعف‌ها و آسیب‌پذیری‌های ساختاری موجود در نظام مدیریتی، فضایی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه یا دفاعی منطقه است.

به بیان دیگر، چالش‌های اصلی زمانی پدید می‌آیند که تهدیدات ژئوپلیتیکی، امنیتی، زیست‌محیطی یا فناورانه با ضعف‌های موجود در ساختارهای برنامه‌ریزی و حکمرانی ساحلی تلاقی پیدا کنند. براین‌اساس، مقالهٔ حاضر تلاش دارد با ارائه چهارچوبی مستند، علمی و اولویت‌بندی‌شده از چالش‌های آمایش ساحلی، زمینه لازم را برای تدوین سیاست‌های فضایی–دفاعی مؤثر در سواحل شمالی خلیج‌فارس فراهم سازد.

۱. پیشینهٔ پژوهش

مرور مطالعات داخلی نشان می‌دهد که موضوع آمایش دفاع سرزمینی عمدتاً در دو سطح کلان مورد توجه قرار گرفته است: نخست، پژوهش‌هایی که به تبیین الگوها و چهارچوب‌های ملی دفاع سرزمینی پرداخته‌اند و دوم، مطالعاتی که بر شناسایی تهدیدها، چالش‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای در حوزه آمایش دفاعی تمرکز داشته‌اند.

در میان آثار دانشگاهی، معظمی و همکاران، (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان «الگوی راهبردی آمایش دفاع سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نظامی» با استخراج مؤلفه‌هایی مانند بازدارندگی، انعطاف‌پذیری، آینده‌نگری و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرزمینی، چهارچوب نظری قابل توجهی برای تحلیل آمایش دفاعی ارائه کرده‌اند. قنبری جهرمی، (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «تدوین راهبردهای دفاع از جزایر سه‌گانه» با تأکید بر اهمیت جزایر راهبردی خلیج‌فارس، ظرفیت‌هایی مانند سکونت‌پذیرسازی، ایجاد مناطق آزاد اقتصادی و استفاده از توانمندی‌های بومی را در تقویت دفاع سرزمینی مورد توجه قرار داده است. جمالی، (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «جغرافیای طبیعی خلیج فارس، مزیتی برای تقویت دفاع دریایی ایران» با تمرکز بر نقش جغرافیای طبیعی خلیج‌فارس، نشان داده که

ویژگی‌های طبیعی و موقعیت جغرافیایی این پهنه می‌تواند به‌عنوان مزیتی راهبردی در تقویت توان دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران عمل کند.

در سطح مقالات علمی-پژوهشی نیز برخی مطالعات، ابعاد منطقه‌ای و محلی آمایش دفاعی را بررسی کرده‌اند. بیات (۱۴۰۲) با مطالعه شهرهای ساحلی استان بوشهر، الگویی چندبُعدی شامل منابع انرژی، مؤلفه‌های نظامی، جمعیت، شبکه‌های ارتباطی، سیاست‌گذاری، محیط‌زیست و ابعاد فرهنگی-اجتماعی ارائه کرده است که می‌تواند در تحلیل سواحل شمالی خلیج‌فارس مورد استفاده قرار گیرد.

بوالحسنی (۱۴۰۲) و بیک و همکاران (۱۴۰۱) نیز با تأکید بر اهمیت ژئواستراتژی و نقش جغرافیا در فرایند آمایش دفاعی، نشان داده‌اند که هر منطقه براساس موقعیت، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های خاص خود، نیازمند الگوی دفاعی و آمایشی متناسب است.

در سطح محلی، ابراهیمی و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه استان بوشهر به این نتیجه رسیده‌اند که فقدان آمایش متوازن و بی‌توجهی به ظرفیت‌های بومی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش ناامنی‌های اجتماعی، مرزی و فضایی شود.

در سطح بین‌المللی، مطالعات انجام‌شده نیز بر اهمیت هماهنگی نهادی، تاب‌آوری زیرساختی و پیوند میان برنامه‌ریزی فضایی و دفاع ساحلی تأکید دارند. سوباگیو و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای درباره اندونزی نشان داده‌اند که ایجاد هماهنگی نهادی میان وزارت دفاع و دولت‌های محلی می‌تواند کارایی اجرای سیاست‌های دفاع ساحلی را به‌طور قابل توجهی افزایش دهد.

همچنین تووماسیان و زیرکیان (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای درباره مناطق مرزی و ساحلی ارمنستان، بر ضرورت ایجاد زیرساخت‌های حفاظتی، پناهگاه‌های اضطراری، مسیرهای جایگزین و شبکه‌های پشتیبان برای ارتقای تاب‌آوری و آمادگی دفاعی تأکید کرده‌اند.

جمع‌بندی پیشینهٔ پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات پیشین به ابعاد مختلفی از آمایش دفاعی، تهدیدات امنیتی، ظرفیت‌های جغرافیایی و نقش مناطق ساحلی در دفاع سرزمینی پرداخته‌اند، اما بیشتر آن‌ها یا در سطح کلان و نظری باقی مانده‌اند یا به بررسی

موردی برخی مناطق خاص محدود شده‌اند. ازاین‌رو، خلأ اصلی در ادبیات موجود، فقدان پژوهشی نظام‌مند درباره شناسایی، اعتبارسنجی و اولویت‌بندی چالش‌های آمایش ساحلی مؤثر بر دفاع سرزمینی در سواحل شمالی خلیج‌فارس است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ، تلاش دارد پیوند میان تهدیدها، ضعف‌های ساختاری و چالش‌های آمایش ساحلی را در قالب چهارچوبی تحلیلی و کاربردی بررسی کند.

۲. مفهوم‌شناسی

در این بخش، به تعریف و تبیین مفاهیم کلیدی مرتبط با پژوهش پرداخته می‌شود. این مفاهیم شامل آمایش سرزمینی، تهدید، ضعف، آسیب و دفاع سرزمینی هستند.

۲-۱. آمایش سرزمینی

آمایش سرزمینی از مفاهیم بنیادین برنامه‌ریزی فضایی است که به سامان‌دهی رابطه میان انسان، فضا و فعالیت در قلمرو سرزمینی می‌پردازد. از نظر ریشه‌شناسی، واژه آمایش با مصدر «آمودن» و «آمائیدن» ارتباط دارد و در معانی آمیختن، آماده‌سازی، آراستن، مستعد کردن و در کنار هم چیدن به‌کاررفته است. براین‌اساس، آمایش در معنای علمی خود ناظر بر نوعی سازمان‌دِهی هدفمند و عقلانی فضاست که می‌کوشد میان جمعیت، محیط، فعالیت‌های اقتصادی ـ اجتماعی، زیرساخت‌ها و ملاحظات امنیتی و زیست‌محیطی تعادل برقرار کند (سند ملی آمایش سرزمین، ۱۴۰۰: ۸). در ادبیات برنامه‌ریزی، آمایش سرزمین نوعی مدیریت هوشمندانه فضا تلقی می‌شود که هدف آن ایجاد هماهنگی میان منافع فردی و اجتماعی، کاهش تعارضات فضایی، بهره‌برداری بهینه از منابع، توزیع متوازن جمعیت و هدایت فعالیت‌ها در راستای منافع عمومی و اهداف ملی است (کلانتری و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۹۱). همچنین آمایش سرزمین به معنای برنامه‌ریزی جامع برای استفاده مطلوب از قابلیت‌های محیطی، اقتصادی و اجتماعی در جهت تحقق توسعهٔ پایدار، عدالت سرزمینی و امنیت ملی تعریف شده است (احمدی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۶).

براین‌اساس، خروجی اصلی آمایش سرزمینی را می‌توان در سه محور خلاصه کرد: اول، تعیین و ترکیب عملکردهای تخصصی هر منطقه و مکان‌یابی مناسب فعالیت‌ها؛ دوم، توزیع متوازن جمعیت و ساماندهی نظام سکونتگاهی در مقیاس ملی و منطقه‌ای و سوم، تعیین شبکه تأسیسات، تجهیزات زیربنایی و خدمات کلان متناسب با ظرفیت‌های سرزمینی. از این منظر، آمایش سرزمینی فرایندی برای تنظیم رابطه میان انسان، سرزمین و فعالیت‌های انسانی است که با هدف بهره‌برداری پایدار از امکانات انسانی و فضایی، تقویت توسعه منطقه‌ای، طراحی مطلوب سکونتگاه‌ها، ایجاد نظام متعادل شهر و روستا و استقرار فعالیت‌های اقتصادی–اجتماعی همگن انجام می‌شود (اسکندری، ۱۳۹۰: ۱۷).

در پژوهش حاضر، این مفهوم در پیوند با آمایش ساحلی و الزامات دفاع سرزمینی بررسی می‌شود؛ زیرا نحوه توزیع جمعیت، زیرساخت‌ها، فعالیت‌های اقتصادی و کاربری‌های حساس در سواحل شمالی خلیج‌فارس، مستقیماً بر تاب‌آوری و کارآمدی دفاعی این پهنه اثرگذار است.

۲-۲. تهدید

تهدید در معنای راهبردی، به مجموعه نیات، قابلیت‌ها، اقدامات یا شرایطی اطلاق می‌شود که می‌توانند مانع تحقق اهداف، مأموریت‌ها و منافع ملی شوند یا امنیت، ثبات و کارکرد طبیعی یک نظام سیاسی–سرزمینی را با مخاطره مواجه سازند. تهدید ممکن است منشأ انسانی داشته باشد یا از حوادث طبیعی و عوامل زیست‌محیطی ناشی شود. همچنین می‌تواند ماهیتی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، فناورانه یا زیست‌محیطی داشته باشد. از حیث منشأ، تهدیدها به تهدیدات خارجی، داخلی و فرامرزی تقسیم می‌شوند و ممکن است به‌صورت آشکار یا پنهان، مستقیم یا غیرمستقیم بر امنیت ملی اثر بگذارند (دانش آشتیانی، ۱۳۸۶: ۸۶).

در حوزه امنیت ملی، تهدید به قابلیت، نیت یا اقدام دشمنان بالقوه و بالفعل برای جلوگیری از دستیابی موفقیت‌آمیز یک کشور به علایق، اهداف و مقاصد امنیتی خود اطلاق می‌شود؛ به‌گونه‌ای که ثبات سیاسی، امنیت ملی و منافع حیاتی کشور را در معرض خطر قرار دهد.

تهدیدها می‌توانند در طیفی از تهدیدات نرم، نیمه‌سخت و سخت قرار گیرند و بسته به ماهیت خود، سطوح مختلفی از آسیب‌پذیری را در ساختارهای سرزمینی و دفاعی ایجاد کنند (صفوی، ۱۳۹۹: ۲۸). در این پژوهش، تهدید به عواملی اطلاق می‌شود که در صورت هم‌زمانی با ضعف‌های موجود در نظام آمایش ساحلی، می‌توانند به شکل‌گیری چالش‌های مؤثر بر دفاع سرزمینی منجر شوند.

۲-۳. ضعف

ضعف در ادبیات مدیریت راهبردی به محدودیت‌ها، کاستی‌ها و نارسایی‌های درونی یک نظام، سازمان یا قلمرو جغرافیایی گفته می‌شود که توان آن را برای تحقق اهداف و انجام کارکردهای اساسی کاهش می‌دهد (حسن‌پور، ۱۴۰۲: ۲۱۷). ضعف‌ها برخلاف تهدیدها، ماهیتی عمدتاً درونی دارند و به کمبود منابع، ناکارآمدی سازوکارها، ناهماهنگی نهادی، نقصان در زیرساخت‌ها، ضعف فناوری، نارسایی مدیریتی یا کاستی‌های ساختاری مربوط می‌شوند. این عوامل می‌توانند عملکرد نظام را مختل کرده و دستیابی به اهداف راهبردی را دشوار سازند (David, 2017).

در سطح سرزمینی، ضعف‌ها زمانی اهمیت بیشتری می‌یابند که در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌های توسعه‌ای، فضایی و دفاعی نادیده گرفته شوند. شناسایی دقیق ضعف‌ها، امکان کاهش آسیب‌پذیری، بهینه‌سازی منابع، افزایش کارایی و تقویت تاب‌آوری را فراهم می‌کند. در مباحث آمایش سرزمین، تحلیل ضعف‌ها ازآن‌جهت اهمیت دارد که تصمیم‌گیری درباره مکان‌یابی زیرساخت‌ها، توزیع جمعیت، سامان‌دهی فعالیت‌ها و تقویت توان دفاعی، بدون شناخت محدودیت‌های درونی امکان‌پذیر نیست (بیک‌بیلندی، ۱۳۹۵: ۲۶).

در پژوهش حاضر، ضعف‌ها به کاستی‌های مدیریتی، فضایی، کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، فناورانه و دفاعی موجود در سواحل شمالی خلیج‌فارس اشاره دارند که می‌توانند در مواجهه با تهدیدها، به چالش‌های مؤثر بر دفاع سرزمینی تبدیل شوند.

۲-۴. آسیب

آسیب به خسارت، صدمه یا اختلالی گفته می‌شود که درنتیجه بروز تهدید یا فعال‌شدن عوامل خسارت‌زا بر نیروی انسانی، زیرساخت‌ها، تجهیزات، سکونتگاه‌ها، محیط طبیعی یا ساختارهای اجتماعی و دفاعی وارد می‌شود (قرائی آشتیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۹). در ادبیات امنیتی، آسیب معمولاً در نسبت با تهدید تعریف می‌شود. براین‌اساس، تهدید بیشتر ناظر بر خطر بیرونی یا عامل بالقوه اثرگذار است؛ درحالی‌که آسیب به ضعف‌ها، نقایص و مشکلات درونی یا پیامدهای بالفعل‌شده تهدیدها اشاره دارد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

از این منظر، آسیب می‌تواند نتیجه برخورد تهدید با ضعف‌های ساختاری باشد. هرچه میزان ضعف و شکنندگی یک نظام بیشتر باشد، احتمال تبدیل تهدید به آسیب نیز افزایش می‌یابد. در مناطق ساحلی، آسیب می‌تواند در قالب اختلال در زیرساخت‌های حیاتی، کاهش تاب‌آوری سکونتگاه‌ها، تخریب محیط‌زیست، اختلال در شبکه‌های حمل‌ونقل، کاهش توان پشتیبانی دفاعی یا تضعیف امنیت اجتماعی بروز کند (جلالی فراهانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۰)؛ بنابراین، در پژوهش حاضر، آسیب به پیامدهای منفی ناشی از هم‌زمانی تهدیدهای محیطی، امنیتی و ژئوپلیتیکی با ضعف‌های موجود در ساختار آمایش ساحلی اطلاق می‌شود.

۲-۵. دفاع سرزمینی

دفاع سرزمینی یکی از ارکان اصلی دفاع ملی است و به مجموعه اقدامات، ظرفیت‌ها و سازوکارهایی اطلاق می‌شود که با هدف حفظ تمامیت ارضی، صیانت از جمعیت، منابع ملی، زیرساخت‌های حیاتی و ارزش‌های راهبردی کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی به‌کار گرفته می‌شوند. این مفهوم در ادبیات دفاعی با آموزه‌هایی مانند دفاع همه‌جانبه، دفاع مردم‌پایه، بسیج منابع محلی، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرزمینی و افزایش تاب‌آوری ملی پیوند دارد (اخباری، ۱۳۹۷: ۲۱).

دفاع سرزمینی صرفاً به استقرار نیروها و تجهیزات نظامی محدود نمی‌شود، بلکه سازمان‌دِهی فضایی جمعیت، توزیع زیرساخت‌های حیاتی، اتصال مناسب مناطق ساحلی به

پس‌کرانه، پایداری شبکه‌های ارتباطی، کاهش تمرکز آسیب‌پذیر فعالیت‌های راهبردی، حفاظت از تأسیسات حساس و ارتقای تاب‌آوری محیطی و اجتماعی را نیز در برمی‌گیرد (از این منظر، آمایش سرزمینی و به‌ویژه آمایش ساحلی می‌تواند یکی از ابزارهای پشتیبان دفاع سرزمینی باشد؛ زیرا نحوه سامان‌دهی فضا، فعالیت و زیرساخت در مناطق ساحلی، ظرفیت کشور را برای پیشگیری، بازدارندگی، مقاومت، پشتیبانی و بازیابی پس از بحران تقویت یا تضعیف می‌کند قرائی آشتیانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۳).

در پژوهش حاضر، دفاع سرزمینی به معنای بهره‌گیری هماهنگ از قابلیت‌های جغرافیایی، انسانی، اقتصادی، زیرساختی و نهادی سواحل شمالی خلیج‌فارس برای کاهش آسیب‌پذیری و افزایش کارآمدی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته می‌شود.

۳. مبانی نظری پژوهش

نظریه قطب رشد یکی از مدل‌های مهم در اقتصاد منطقه‌ای، جغرافیای شهری و برنامه‌ریزی فضایی است که ابتدا توسط «فرانسوا پرو» معرفی شد این نظریه بیان می‌کند که رشد اقتصادی به‌صورت یکنواخت در سراسر یک منطقه رخ نمی‌دهد، بلکه ابتدا در نقاط خاصی که به‌عنوان قطب رشد شناخته می‌شوند، متمرکز می‌شود و سپس تأثیرات آن به مناطق پیرامونی منتشر می‌شود. این قطب‌ها معمولاً شامل زیرساخت‌های پیشرفته، صنایع کلیدی، بازارهای سرمایه و مؤسسات تصمیم‌گیری اقتصادی هستند. رشد اقتصادی از طریق توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل، تعاملات تجاری و گردش سرمایه به مناطق کم‌تر توسعه‌یافته گسترش می‌یابد. امروزه از این نظریه در توسعه منطقه‌ای، تحلیل نابرابری‌های اقتصادی و برنامه‌ریزی پایدار شهری استفاده می‌شود (موسوی میرنجف و بایرام زاده، ۱۴۰۳: ۱۰۹).

۳-۱. اصول و مفاهیم نظریه قطب رشد

الف. تمرکز صنایع کلیدی در نقاط خاص برخی مناطق به‌دلیل موقعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، زیرساخت‌های ارتباطی و تصمیمات اقتصادی به قطب‌های رشد تبدیل می‌شوند، این

مناطق جذب‌کننده سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی بوده و موتور محرک رشد اقتصادی. نمونه‌هایی از این قطب‌ها در ایران شامل عسلویه (قطب انرژی)، تهران (قطب اقتصادی)، اصفهان (قطب صنعتی) و مشهد (قطب گردشگری) هستند (خسروی و جماهیری، ۱۴۰۰: ۱۲۴).

ب. انتشار اثرات اقتصادی از قطب رشد به مناطق پیرامونی رشد اقتصادی ابتدا در قطب‌های توسعه‌یافته آغاز می‌شود، سپس از طریق زنجیره‌های تأمین، خدمات وابسته و تحرک نیروی کار به مناطق مجاور گسترش می‌یابد بااین‌حال، این انتشار همیشه متوازن نیست و ممکن است موجب نابرابری منطقه‌ای شود.

ج. نقش زیرساخت‌ها در توسعه قطب‌های رشد توسعه بزرگراه‌ها، راه‌آهن، بنادر، فرودگاه‌ها و ارتباطات دیجیتال باعث تسریع انتقال کالاها، سرمایه‌ها و نیروی کار بین قطب رشد و مناطق پیرامونی می‌شود.

بدون زیرساخت‌های مناسب، اثرات رشد ممکن است محدود باقی بمانند و مناطق پیرامونی از مزایای اقتصادی محروم شوند (Parr, 1999).

۳-۲. مدل‌های مختلف قطب رشد

۳-۲-۱. مدل قطب رشد تک مرکزی

در این مدل، یک شهر بزرگ یا منطقه صنعتی، موتور محرک توسعهٔ اقتصادی است. برای مثال: تهران به‌عنوان مرکز اقتصادی ایران عمل می‌کند و اثرات رشد آن بر شهرهای اطراف مانند کرج، قم و شهریار مشاهده می‌شود (ربیعی نژاد، ارغوان، ۱۳۹۶: ۴۶).

۳-۲-۲. مدل قطب رشد چندمرکزی

در این مدل، چندین مرکز توسعه‌یافته هم‌زمان نقش قطب رشد را ایفا می‌کنند مثال: در آلمان، شهرهای برلین، هامبورگ، مونیخ و فرانکفورت همگی دارای نقش‌های اقتصادی و صنعتی برجسته هستند.

۳-۲-۳. مدل زنجیره‌ای قطب رشد

در این مدل، قطب‌های رشد به‌وسیله زیرساخت‌های حمل‌ونقل به یکدیگر متصل می‌شوند. برای مثال: توسعه مناطق حاشیه خلیج‌فارس که از طریق شبکه حمل‌ونقل دریایی به بنادر بزرگ و شهرهای تجاری متصل می‌شوند (Parr, 1999).

۳-۳. تأثیر قطب رشد بر برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

۳-۳-۱. برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای

دولت‌ها از این نظریه برای تمرکز سرمایه‌گذاری در مناطق خاص و ایجاد مراکز صنعتی و فناوری استفاده می‌کنند. منطقه ویژه اقتصادی چابهار نمونه‌ای از قطب رشد در جنوب شرقی ایران است (World Bank, 2022).

۳-۳-۲. توسعهٔ صنعتی و اقتصادی

بسیاری از شهرهای صنعتی مانند تبریز، اصفهان، شیراز و یزد براساس مدل قطب رشد توسعه‌یافته‌اند. این شهرها به جذب صنایع بزرگ، کارخانجات و اشتغال‌زایی برای نیروی کار کمک کرده‌اند.

۳-۳-۳. توسعه شبکه‌های حمل‌ونقل و زیرساختی

ارتباطات بین قطب‌های رشد و مناطق اطراف از طریق بزرگراه‌ها، بنادر، راه‌آهن و فرودگاه‌ها تقویت می‌شود برای مثال: بزرگراه‌های ارتباطی تهران- قم و تهران- قزوین در ایران نمونه‌ای از گسترش زیرساخت‌ها برای بهبود تعاملات منطقه‌ای هستند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۷).

۳-۴. نظریه قطب رشد در آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس مؤثر بر دفاع سرزمینی

نظریه قطب رشد یکی از مدل‌های کلیدی در برنامه‌ریزی منطقه‌ای است که نقش مهمی در

آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس و دفاع سرزمینی ایفا می‌کند. این نظریه بر این اصل استوار است که توسعهٔ اقتصادی همیشه به‌صورت یکنواخت رخ نمی‌دهد، بلکه ابتدا در مناطق خاص که به‌عنوان قطب‌های رشد شناخته می‌شوند، شکل می‌گیرد و سپس تأثیرات آن به مناطق اطراف گسترش می‌یابد (موسوی میر نجف و بایرام زاده، ۱۴۰۳: ۱۲۶). در این تحقیق، از این نظریه استفاده‌شده تا بتوانیم چالش‌ها و فرصت‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس را در راستای تقویت امنیت ملی و دفاع سرزمینی جمهوری اسلامی ایران بررسی کنیم.

۳-۴-۱. نقش نظریه قطب رشد در آمایش دفاعی سواحل شمالی خلیج‌فارس

این نظریه می‌تواند به تقویت زیرساخت‌های دفاعی و اقتصادی در مناطق کلیدی کمک کند. با توجه به موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خلیج‌فارس، شهرهایی مانند بوشهر، بندرعباس و عسلویه می‌توانند به قطب‌های رشد دفاعی و اقتصادی تبدیل شوند (خسروی و جماهیری، ۱۴۰۰: ۵۷). توسعه این قطب‌ها باعث می‌شود که نه‌تنها توان دفاعی کشور افزایش یابد، بلکه امکانات اقتصادی و زیربنایی نیز گسترش پیدا کند که این امر به رشد پایدار منطقه کمک می‌کند.

۳-۴-۲. فرصت‌های نظریه قطب رشد در تقویت دفاع سرزمینی

۱. تمرکز زیرساخت‌های امنیتی و نظامی در مناطق کلیدی: توسعه پایگاه‌های نظامی و صنعتی در این قطب‌های رشد، موجب افزایش آمادگی دفاعی و تقویت امنیت دریایی می‌شود.

۲. انتقال اثرات مثبت توسعه به مناطق پیرامونی: ایجاد قطب‌های رشد باعث می‌شود که مناطق مجاور نیز از توسعهٔ اقتصادی و دفاعی بهره‌مند شوند.

۳. ارتقای ظرفیت‌های لجستیکی و حمل‌ونقل: توسعه بزرگراه‌ها، بنادر و فرودگاه‌های نظامی موجب افزایش تحرک نیروهای نظامی و بهبود مدیریت بحران‌های امنیتی می‌شود (World Bank, 2022).

۴. افزایش همکاری‌های دفاعی و منطقه‌ای: تعاملات نظامی و اقتصادی با کشورهای همسایه موجب تقویت امنیت منطقه‌ای و بهبود مدیریت تهدیدات خارجی خواهد شد.

۳-۴-۳. چالش‌های نظریه قطب رشد در آمایش دفاعی سواحل شمالی خلیج‌فارس

۱. تمرکز بیش از حد زیرساخت‌های دفاعی در قطب‌های اصلی: ممکن است این تمرکز باعث شود که مناطق پیرامونی دچار نابرابری شوند و آسیب‌پذیری امنیتی افزایش یابد.

۲. مهاجرت نیروی کار و تغییرات جمعیتی: تمرکز زیرساخت‌های نظامی و صنعتی در یک نقطه خاص ممکن است باعث کمبود نیروی انسانی در سایر مناطق ساحلی شود (زیاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۹).

۳. چالش‌های زیست‌محیطی: افزایش فعالیت‌های نظامی و صنعتی در مناطق حساس ممکن است موجب آلودگی دریایی و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی شود. نظریه قطب رشد در برنامه‌ریزی فضایی و دفاعی سواحل شمالی خلیج‌فارس می‌تواند بهبود امنیت ملی، افزایش تعاملات منطقه‌ای و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و نظامی را به‌همراه داشته باشد. برای بهره‌برداری بهتر از این نظریه، باید راهبردهای متوازن تدوین شود تا هم امنیت کشور تقویت شود و هم توسعهٔ پایدار مناطق ساحلی محقق گردد (بیات، ۱۴۰۳: ۱۳۳).

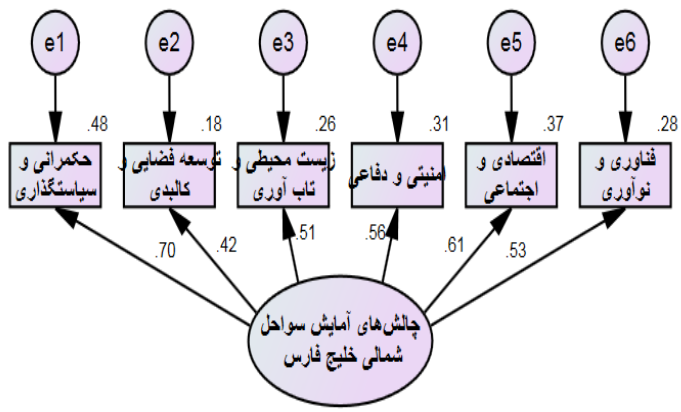
۴. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی-تحلیلی است و با رویکرد آمیخته، یعنی ترکیب روش‌های کیفی و کمّی، انجام شده است. در مرحله کیفی از مطالعات اسنادی، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، سفر مطالعاتی به استان بوشهر، گروه کانونی و تکنیک دلفی استفاده شد. داده‌های کتابخانه‌ای از طریق بررسی کتاب‌ها، مقالات علمی-پژوهشی، نشریات تخصصی، اسناد بالادستی، گزارش‌های رسمی، پایگاه‌های اطلاعاتی و وب‌گاه‌های معتبر علمی گردآوری شدند. در بخش میدانی، جامعه نخست شامل خبرگان حوزه آمایش دفاع سرزمینی، امنیت ملی، ژئوپلیتیک، برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت مناطق ساحلی بود که براساس معیارهایی مانند آشنایی تخصصی با موضوع، تحصیلات تکمیلی مرتبط، تجربه مدیریتی یا راهبردی و سابقه علمی یا اجرایی انتخاب شدند. ابزار اصلی گردآوری داده‌های کمّی، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که بر پایه یافته‌های کیفی و ادبیات

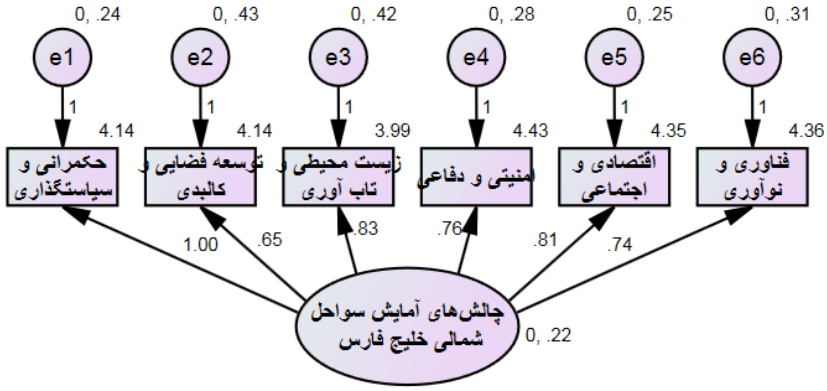
نظری تحقیق تدوین شد. روایی محتوایی پرسش‌نامه با استفاده از نظر خبرگان و ضریب نسبت روایی محتوا، مبتنی بر ضریب لاوشه، ارزیابی گردید و گویه‌های نامناسب پس از بررسی حذف یا اصلاح شدند.

۴-۱. اعتبار عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس

به‌منظور سنجش اعتبار عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس از نرم‌افزار معادلات ساختاری ایموس در قالب دو مدل عاملی تأییدی در حالت استاندارد و معناداری استفاده شده است. در این بخش، این دو مدل به‌همراه جداول ضرایب بار عاملی و ضریب تعیین و نیز شاخص‌های برازش مدل ارائه گردیده است.



شکل ۱: تحلیل عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس (مدل استاندارد)



شکل ۲: تحلیل عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس (مدل معناداری)

جدول ۱: بارهای عاملی و ضرایب تعیین چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس

ردیف	چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس	بار عاملی	ضریب تعیین	CR	سطح معنی‌داری
۱	حکمرانی و سیاست‌گذاری: نهادهای تصمیم‌گیر و هماهنگی، ناکارآمدی قوانین و مقررات در تلفیق ملاحظات دفاعی با آمایش و مدیریت دانش و اطلاعات.	۰/۶۹۵	۰/۴۸	۴/۶۷۰	۰/۰۰۰
۲	توسعه فضایی و کالبدی: الگوهای استقرار فضایی، زیرساخت‌های حیاتی در سواحل شمالی خلیج‌فارس و پیوندهای منطقه‌ای.	۰/۴۲۲	۰/۱۸	۶/۳۷۰	۰/۰۰۰
۳	زیست‌محیطی و تاب‌آوری: مخاطرات طبیعی، فشارهای انسانی و تغییرات اقلیمی.	۰/۵۱۲	۰/۲۶	۶/۰۹۹	۰/۰۰۰
۴	امنیتی و دفاعی: تهدیدات نظامی، امنیت ساحلی و جنگ نرم.	۰/۵۶۱	۰/۳۱	۵/۸۸۴	۰/۰۰۰
۵	اقتصادی و اجتماعی: توسعه نامتوازن با تمرکز زیرساخت‌ها و خدمات در مراکز شهری و محرومیت مناطق پیرامونی، اشتغال و معیشت و کمبود سرمایه‌گذاری دفاع‌محور.	۰/۶۰۸	۰/۳۷	۵/۵۴۶	۰/۰۰۰
۶	فناوری و نوآوری: نقص در سامانه‌های پایش دریایی، فاصله فناورانه در زیرساخت‌های دفاعی و تحقیق و توسعه.	۰/۵۳۲	۰/۲۸	۵/۹۹۵	۰/۰۰۰

جدول ۲: شاخص‌های برازش مدل عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس

معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب
نسبت کای دو به درجه آزادی	χ2/df	۲/۱۹۲	<۳
شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۴	>۰/۹۰
شاخص نیکویی برازش تعدیل‌شده	AGFI	۰/۹۲	>۰/۹۰
شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۳	>۰/۹۰
شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۵	>۰/۹۰
شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۹۲	>۰/۹۰
ریشه میانگین مربعات خطای تقریب	RMSEA	۰/۰۴۴	<۰/۰۸

نتایج تحلیل عاملی تأییدی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس نشان می‌دهد که ساختار شش‌بُعدی استخراج‌شده از برازش و اعتبار مناسبی برخوردار است. براساس جدول (۱)، تمامی بارهای عاملی مثبت و از نظر آماری معنادار هستند؛ زیرا مقدار CR در همه ابعاد بیش از ۱/۹۶ بوده و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۰۱ گزارش شده است. در میان ابعاد شش‌گانه، چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری با بار عاملی ۰/۶۹۵ و ضریب تعیین ۰/۴۸، بیشترین سهم را در تبیین چالش‌های آمایش ساحلی دارد. این یافته بیانگر آن است که ضعف هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر، ناکارآمدی قوانین و مقررات و نبود سازوکار مؤثر برای تلفیق ملاحظات دفاعی با برنامه‌ریزی آمایشی، مهم‌ترین مانع در این حوزه است. پس از آن، چالش اقتصادی- اجتماعی با بار عاملی ۰/۶۰۸ و ضریب تعیین ۰/۳۷ و چالش امنیتی- دفاعی با بار عاملی ۰/۵۶۱ و ضریب تعیین ۰/۳۱ قرار دارند که نشان‌دهنده نقش توسعه نامتوازن، محرومیت مناطق پیرامونی، تهدیدات نظامی و امنیت ساحلی در کاهش کارآمدی دفاع سرزمینی است. همچنین چالش‌های فناوری و نوآوری با بار عاملی ۰/۵۳۲، زیست‌محیطی و تاب‌آوری با بار عاملی ۰/۵۱۲ و توسعه فضایی و کالبدی با بار عاملی ۰/۴۲۲ نیز معنادار بوده و بخشی از ساختار چالش‌های آمایش ساحلی را تبیین می‌کنند. براساس جدول ۲، شاخص‌های برازش نیز وضعیت مطلوب مدل را تأیید می‌کنند؛ نسبت کای‌دو به درجه آزادی برابر با ۲/۱۹۲، GFI برابر با ۰/۹۴، AGFI برابر با ۰/۹۲، NFI برابر با ۰/۹۳، CFI برابر با ۰/۹۵،

RFI برابر با ۰/۹۲ و RMSEA برابر با ۰/۰۴۴ است؛ بنابراین، مدل عاملی تأییدی پژوهش از برازش مطلوب برخوردار بوده و ابعاد شش‌گانه یادشده می‌توانند چهارچوبی معتبر برای تحلیل و اولویت‌بندی چالش‌های آمایش ساحلی مؤثر بر دفاع سرزمینی فراهم سازند.

۵. تجزیه‌وتحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های پژوهش با هدف تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان، بررسی چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس و تبیین میزان تأثیر آن‌ها بر دفاع سرزمینی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار گرفت. تحلیل داده‌ها در دو سطح انجام شد: نخست، تحلیل آماری داده‌های جمعیت‌شناختی شامل رده سازمانی–نظامی، وضعیت سنی، سابقه کاری و سطح تحصیلات؛ دوم، تحلیل سایر داده‌ها شامل پایایی ابزار سنجش، اعتبارسنجی چالش‌ها، رتبه‌بندی چالش‌ها و ارائه یافته‌های نهایی تحقیق.

یافته‌های توصیفی نشان داد که جامعه آماری پژوهش از نظر جایگاه سازمانی، تجربه حرفه‌ای و سطح تحصیلات، تناسب لازم را با موضوع تحقیق دارد و داده‌های پژوهش بر پایه دیدگاه افرادی گردآوری شده است که در سطوح تصمیم‌گیری، آموزشی، پژوهشی و اجرایی مرتبط با آمایش و دفاع سرزمینی حضور دارند.

برای بررسی پایایی ابزار سنجش، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. در این پژوهش، مقدار آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس برابر با ۰/۷۳۵ به دست آمد. ازآنجاکه این مقدار بالاتر از حد قابل قبول ۰/۷ است، می‌توان نتیجه گرفت که پرسش‌نامه از پایایی و ثبات درونی قابل قبولی برخوردار بوده و قابلیت استفاده در تحلیل‌های بعدی پژوهش را دارد.

در ادامه، چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس مؤثر بر دفاع سرزمینی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که چالش‌های این حوزه در شش دسته اصلی شامل حکمرانی و سیاست‌گذاری، توسعه فضایی و کالبدی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری، امنیتی و دفاعی، اقتصادی ـ اجتماعی و فناوری و نوآوری قابل طبقه‌بندی هستند. یافته‌های توصیفی

نشان داد که خبرگان، ارتباط این چالش‌ها با دفاع سرزمینی را بسیار جدی ارزیابی کرده‌اند.

ردیف	چالش	درصد تأیید
۱	چالش امنیتی و دفاعی	۱۰۰ درصد
۲	چالش اقتصادی-اجتماعی	۹۹ درصد
۳	چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری	۹۸ درصد
۴	چالش زیست‌محیطی و تاب‌آوری	۹۸ درصد
۵	چالش فناوری و نوآوری	۹۸ درصد
۶	چالش توسعه فضایی و کالبدی	۹۶ درصد

نتایج جدول بالا بیانگر آن است که چالش‌های آمایش ساحلی در سواحل شمالی خلیج‌فارس صرفاً ماهیتی توسعه‌ای یا کالبدی ندارند، بلکه مستقیماً با امنیت ملی، تاب‌آوری سرزمینی و کارآمدی دفاع سرزمینی پیوند دارند.

در ارزیابی شدت اثرگذاری چالش‌ها، بخش عمده پاسخ‌ها در سطوح «زیاد» و «خیلی زیاد» متمرکز بوده است.

ردیف	چالش	درصد
۱	چالش اقتصادی-اجتماعی	۹۳ درصد
۲	چالش امنیتی و دفاعی	۹۲ درصد
۳	چالش فناوری و نوآوری	۹۱ درصد
۴	چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری	۸۴ درصد
۵	چالش توسعه فضایی و کالبدی	۷۹ درصد
۶	چالش زیست‌محیطی و تاب‌آوری	۷۷ درصد

با توجه به جدول بالا چالش اقتصادی ـ اجتماعی با مجموع ۹۳ درصد در سطوح زیاد و خیلی زیاد، چالش امنیتی و دفاعی با ۹۲ درصد، چالش فناوری و نوآوری با ۹۱ درصد و چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری با ۸۴ درصد، بیشترین شدت اثرگذاری را نشان داده‌اند. همچنین چالش توسعه فضایی و کالبدی با حدود ۷۹ درصد و چالش زیست‌محیطی و تاب‌آوری با حدود ۷۷ درصد در سطوح بالا ارزیابی شده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه خبرگان، مدیریت و کاهش این چالش‌ها باید در اولویت برنامه‌ریزی آمایشی- دفاعی

سواحل شمالی خلیج‌فارس قرار گیرد.

برای اعتبارسنجی آماری چالش‌های شش‌گانه، از آزمون t تک‌نمونه‌ای با مقدار آزمون ۳ استفاده شد. نتایج نشان داد که میانگین همه چالش‌ها به‌طور معناداری بالاتر از مقدار متوسط فرضی است و سطح معناداری در تمامی موارد کم‌تر از ۰/۰۰۱ گزارش شده است؛ بنابراین، فرض صفر مبنی بر بی‌اهمیت بودن یا نبود اثرگذاری چالش‌ها رد می‌شود و هر شش چالش به‌عنوان موانع واقعی و معنادار در آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس مؤثر بر دفاع سرزمینی تأیید می‌گردند.

ردیف	چالش	میانگین	t
۱	چالش امنیتی و دفاعی	۴/۴۳	۲۲/۳۵۵
۲	چالش فناوری و نوآوری	۴/۳۶	۲۱/۲۹۷
۳	چالش اقتصادی-اجتماعی	۴/۳۵	۲۱/۴۵۲
۴	چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری	۴/۱۵	۱۷/۲۰۳
۵	چالش توسعه فضایی و کالبدی	۴/۱۵	۱۵/۴۸۲
۶	چالش زیست‌محیطی و تاب‌آوری	۴	۱۳/۰۲۹

به‌منظور رتبه‌بندی اهمیت چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس، از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج در جدول زیر بیان شده است:

ردیف	چالش	میانگین رتبه
۱	چالش امنیتی و دفاعی	۳/۹۶
۲	چالش زیست‌محیطی و تاب‌آوری	۳/۹۲
۳	چالش فناوری و نوآوری	۳/۸۵
۴	چالش اقتصادی-اجتماعی	۳/۷۷
۵	چالش توسعه فضایی و کالبدی	۳/۲۸
۶	چالش حکمرانی و سیاست‌گذاری	۳/۲۲

مقدار کای‌اسکوئر آزمون فریدمن برابر با ۳۸/۰۴۸، درجه آزادی ۵ و سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۰۱ بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد که تفاوت میان رتبه چالش‌ها معنادار است و

اولویت‌بندی ارائه‌شده تصادفی نبوده، بلکه بر پایه ارزیابی تخصصی پاسخ‌دهندگان شکل گرفته است.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

پژوهش حاضر با هدف پاسخ به این سؤال که آمایش سرزمینی سواحل شمالی خلیج‌فارس با چه چالش‌ها و ضعف‌هایی مواجه است؟ انجام شد. براساس یافته‌های پژوهش، سواحل شمالی خلیج‌فارس صرفاً یک پهنه جغرافیایی برای توسعهٔ اقتصادی، حمل‌ونقل دریایی، انرژی و سکونت‌پذیری نیست، بلکه بخشی از عمق راهبردی، امنیتی و دفاعی کشور محسوب می‌شود؛ بنابراین، هرگونه ضعف در سازمان‌دهی فضایی، حکمرانی، زیرساخت، فناوری، محیط‌زیست و پیوند ساحل با پس‌کرانه، می‌تواند به افزایش آسیب‌پذیری سرزمینی و کاهش تاب‌آوری دفاعی منجر شود.

نتایج حاصل از مطالعات اسنادی، مصاحبه با خبرگان، گروه کانونی، تکنیک دلفی، بازدید میدانی و تحلیل داده‌های کمّی نشان داد که چالش‌های آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس در شش محور اصلی قابل طبقه‌بندی است: چالش‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری، توسعه فضایی و کالبدی، زیست‌محیطی و تاب‌آوری، امنیتی و دفاعی، اقتصادی- اجتماعی و فناوری و نوآوری.

این طبقه‌بندی نشان می‌دهد که مسئله آمایش ساحلی در خلیج‌فارس ماهیتی تک‌بُعدی ندارد، بلکه حاصل برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل ژئوپلیتیکی، نهادی، کالبدی، محیطی، اجتماعی و فناورانه است. ازاین‌رو، تحلیل این منطقه صرفاً با رویکرد توسعه‌ای یا اقتصادی کفایت نمی‌کند و نیازمند رویکردی آمایشی- دفاعی، یکپارچه و آینده‌نگر است.

یافته‌های آماری نشان داد که همه چالش‌های شناسایی‌شده از نظر خبرگان معنادار و اثرگذار هستند. یافته‌ها نشان می‌دهد که از دیدگاه پاسخ‌دهندگان، مهم‌ترین مسئله آمایش ساحلی در سواحل شمالی خلیج‌فارس، نحوه مواجهه با تهدیدات امنیتی، نظامی، جنگ نرم و الزامات دفاع سرزمینی است. بااین‌حال، نزدیک بودن رتبه چالش زیست‌محیطی و

تاب‌آوری به چالش امنیتی و دفاعی نشان می‌دهد که دفاع سرزمینی در این پهنه فقط با مؤلفه‌های نظامی قابل تبیین نیست، بلکه به‌شدت به تاب‌آوری محیطی، پایداری سکونتگاه‌ها، امنیت زیرساخت‌ها و توان بازیابی در شرایط بحران وابسته است.

براساس نتایج تحقیق، می‌توان گفت سؤال اصلی پژوهش تأیید می‌شود؛ بدین معنا که ضعف در حکمرانی یکپارچه، تمرکز زیرساخت‌های حیاتی، ناهماهنگی میان برنامه‌ریزی آمایشی و ملاحظات دفاعی، آسیب‌پذیری زیست‌محیطی، نارسایی فناورانه و توسعه نامتوازن فضایی، از عوامل اصلی کاهش‌دهنده کارآمدی دفاع سرزمینی در سواحل شمالی خلیج‌فارس هستند. به بیان دقیق‌تر، مسئله اصلی این پهنه کمبود ظرفیت ژئوپلیتیکی، اقتصادی یا دفاعی نیست؛ بلکه ضعف در مدیریت، توزیع و سازمان‌دِهی این ظرفیت‌ها در قالب یک الگوی آمایش دفاع‌محور است. چنانچه این ظرفیت‌ها بدون هماهنگی نهادی، پیوند با پس‌کرانه، پدافند غیرعامل، سامانه‌های پایش هوشمند و مشارکت جوامع بومی توسعه یابند، می‌توانند از فرصت راهبردی به نقطه آسیب‌پذیری تبدیل شوند.

در نهایت، نتیجه کلی پژوهش آن است که آمایش سواحل شمالی خلیج‌فارس زمانی می‌تواند در خدمت دفاع سرزمینی قرار گیرد که میان توسعه، امنیت، محیط‌زیست، فناوری، حکمرانی و مشارکت اجتماعی پیوندی ساختاری و نهادمند برقرار شود؛ بنابراین، رویکرد مطلوب برای این منطقه، آمایش ساحلی دفاع‌محور و تاب‌آور است؛ رویکردی که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی، ژئواکونومیکی و دریایی خلیج‌فارس، آسیب‌پذیری‌های فضایی و نهادی را کاهش داده و زمینه ارتقای بازدارندگی، پایداری و امنیت ملی را فراهم سازد.

۶-۱. پیشنهادهای پژوهش

۶-۱-۱. پیشنهادهای کاربردی

۱. تدوین و اجرای الگوی جامع آمایش ساحلی دفاع‌محور در سواحل شمالی خلیج‌فارس: با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود الگوی جامع آمایش ساحلی با رویکرد

دفاع‌محور تدوین و در فرایندهای برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای مورد استفاده قرار گیرد. این الگو باید از نگاه صرفاً اقتصادی، بندری و سکونتگاهی عبور کرده و مؤلفه‌هایی همچون امنیت ملی، پدافند غیرعامل، تاب‌آوری محیطی، حفاظت از زیرساخت‌های حیاتی، توزیع متوازن جمعیت و پیوند میان نواحی ساحلی و پس‌کرانه را به‌صورت هم‌زمان مورد توجه قرار دهد. همچنین ضروری است طرح‌های توسعه‌ای پیش از اجرا، از منظر پیامدهای دفاعی، امنیتی، اجتماعی و زیست‌محیطی ارزیابی شوند.

۲. ایجاد نظام حکمرانی یکپارچه و هماهنگ‌کننده مدیریت سواحل شمالی خلیج‌فارس: با توجه به تعدد نهادهای تصمیم‌گیر و وجود موازی‌کاری‌های سازمانی، پیشنهاد می‌شود سازوکاری فرابخشی برای حکمرانی یکپارچه ساحلی ایجاد شود. این سازوکار باید امکان هماهنگی میان نهادهای مرتبط با آمایش سرزمین، دفاع، امنیت، محیط‌زیست، انرژی، بنادر، حمل‌ونقل و مدیریت شهری را فراهم کرده و تصمیم‌گیری‌ها را براساس داده‌های مشترک، تقسیم وظایف مشخص و اولویت‌های ملی هدایت کند.

۳. توسعه سامانه هوشمند پایش، هشدار و مدیریت آسیب‌پذیری سواحل شمالی خلیج‌فارس: با توجه به اهمیت شناخت مستمر تهدیدها و آسیب‌پذیری‌های منطقه، پیشنهاد می‌شود سامانه یکپارچه پایش هوشمند ساحلی طراحی و اجرا شود. این سامانه می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، سنجش از دور، هوش مصنوعی، پایش دریایی و تحلیل داده‌های بزرگ، داده‌های محیطی، زیرساختی، اجتماعی و امنیتی را تجمیع کرده و زمینه افزایش توان پیش‌بینی، پیشگیری و واکنش در برابر بحران‌ها را فراهم سازد.

۴. افزایش تاب‌آوری فضایی و اجتماعی منطقه از طریق توزیع متوازن زیرساخت‌ها و مشارکت جوامع محلی: با توجه به آسیب‌پذیری ناشی از تمرکز زیرساخت‌های حیاتی در نواحی محدود ساحلی، پیشنهاد می‌شود توسعه منطقه‌ای براساس اصل پراکندگی هوشمند، ایجاد مراکز پشتیبان در پس‌کرانه، توسعه حمل‌ونقل چندوجهی و تقویت شبکه‌های لجستیکی انجام شود. همچنین مشارکت جوامع بومی در فرایندهای

برنامه‌ریزی، مدیریت بحران، حفاظت محیط‌زیست و پایش محلی باید تقویت شود؛ زیرا سرمایهٔ اجتماعی و حضور فعال مردم، یکی از مؤلفه‌های مهم تاب‌آوری و دفاع مردمی محسوب می‌شود.

۶-۱-۲. پیشنهادهای پژوهشی

۱. طراحی مدل کمی سنجش تاب‌آوری دفاعی- سرزمینی سواحل شمالی خلیج‌فارس: پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، شاخص‌ها و معیارهای کمی برای ارزیابی میزان تاب‌آوری دفاعی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی مناطق ساحلی طراحی و اعتبارسنجی شود تا امکان سنجش وضعیت موجود و اولویت‌بندی اقدامات اصلاحی فراهم گردد.

۲. انجام مطالعات آینده‌پژوهی درباره تهدیدها و فرصت‌های پیش روی سواحل شمالی خلیج‌فارس: با توجه به تغییرات سریع محیط ژئوپلیتیکی، فناوری و اقلیمی، پیشنهاد می‌شود مطالعات آینده‌پژوهانه با استفاده از روش‌هایی مانند سناریونویسی، دلفی و تحلیل روندها انجام شود تا مسیرهای محتمل تحول منطقه و الزامات دفاعی- امنیتی آن در افق‌های بلندمدت شناسایی شود.

۳. بررسی نقش فناوری‌های نوین در ارتقای مدیریت و امنیت سواحل: پیشنهاد می‌شود تحقیقات آینده به بررسی ظرفیت فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، سامانه‌های هوشمند دریایی، اینترنت اشیا، امنیت سایبری زیرساخت‌ها و داده‌های مکانی در افزایش توان پایش، مدیریت بحران و کاهش آسیب‌پذیری سواحل شمالی خلیج‌فارس اختصاص یابد.

فهرست منابع

ابراهیمی، حامد؛ علیپوری، احسان؛ صادقی، حسین (۱۴۰۰). ***پیامدهای امنیتی فقدان نگاه آمایشی در تقسیم‌بندی‌های سرزمینی کشور (مطالعه موردی: استان بوشهر)***. امنیت ملی، ۱۲ (۴۳).

احمدی مقدم، اسماعیل؛ تندرو، حمیدرضا؛ زرین پور، محمد؛ فخرالدین، وحید (۱۴۰۳). ***کارکرد آمایش سرزمینی در دفاع اقتصادی با تأکید بر جمعیت***. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۲(۹۶).

اخباری، محمدرضا (۱۳۹۷). ***امنیت ملی و دفاع سرزمینی در جمهوری اسلامی ایران***. مرکز مطالعات راهبردی.

اسکندری، حمید (۱۳۹۰) ***آمایش سرزمینی از منظر پدافند غیرعامل***، تهران: بوستان حمید.

بختیاری، ایرج (۱۴۰۲). ***توسعه متوازن و آمایش سرزمینی، الزامات و چالش‌ها***. حکمرانی متعالی، ۱۶ (۴).

بوالحسنی، خسرو (۱۴۰۲). ***مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ژئواستراتژی مؤثر بر آمایش دفاع سرزمینی در مقابله با تهدیدات نظامی***. مطالعات دفاع مقدس، ۳۵ (۹).

بوالحسنی، خسرو؛ سروش کاشانی، احسان؛ نعمت زاده، سیروس (۱۴۰۱). ***مؤلفه‌ها و ویژگی‌های توان نظامی مؤثر بر آمایش دفاع سرزمینی در مقابله با تهدیدات نظامی***. راهبرد دفاعی، ۸۰ (۲۰).

بوزان، باری (۱۳۷۸). ***مردم، دولت‌ها و هراس***. ترجمه محمدعلی قاسمی، انتشارات مرکز مطالعات راهبردی.

بیات، حمیدرضا (۱۴۰۲). ***الگوی راهبردی آمایش دفاعی شهرهای ساحلی (مطالعه موردی: شهرهای ساحلی استان بوشهر)***. راهبرد دفاعی، ۸۷(۲۲).

بیک، علی‌اصغر؛ معظمی گودرزی، بابک؛ ملکی، بهمن (۱۴۰۱). ***تأثیر جغرافیا بر آمایش دفاع سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نظامی***. دوفصلنامه پژوهش‌های علوم نظامی، ۳ (۵).

بیک‌بیلندی، علی‌اصغر (۱۳۹۵). رساله دکتری ***تأثیر عوامل ژئوپلیتیک دریای خزر بر راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران***. تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی

بیک‌محمدلو، حسن (۱۴۰۲). ***مفهوم‌شناسی پیشرفت دریایی در بیانات مقام معظم رهبری***. فصلنامه

سیاست کلان؛ ویژه سیاست‌های کلی توسعه دریامحور، (۱۱).

جلالی فراهانی، غلامرضا، نکویی، محمدعلی؛ آب پرور، احمد (۱۴۰۱). ***تاب‌آوری زیرساخت‌های آب شرب کشور با رویکرد پدافند غیرعامل***. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال بیستم، شماره ۹۰.

جمالی، علی (۱۳۸۷). ***تأثیر عوامل جغرافیای طبیعی خلیج‌فارس بر دفاع دریایی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تهدید آمریکا***، (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.

حسن‌پور، حمید (۱۴۰۲). ***تأثیر عوامل ژئوپلیتیک طبیعی حوزهٔ خلیج‌فارس بر تدوین راهبردهای ارتقا وزن ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران***. فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، شماره ۹۴.

خسروی لقب، فاطمه؛ جمهیری، محمود (۱۳۹۹). ***بررسی نظریه قطب رشد با بررسی سابقه شکل‌گیری قطب‌های رشد در ایران***. اولین کنفرانس ملی توسعهٔ پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی.

ربیعی‌نژاد، تحسین؛ ارغوان، عباس (۱۳۹۶). ***بررسی تأثیرات الگوی قطب‌های رشد بر شکل‌گیری مراکز بزرگ شهری و توسعه نامتعادل ناحیه‌ای ایران***. ارائه شده در اولین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران.

رحیم صفوی، سید یحیی (۱۳۹۹). ***ملاحظات ژئوپلیتیکی، دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل سند ملی آمایش سرزمین***. تهران: ستاد کل نیروهای مسلح-طرح و برنامه.

زرقانی، سید هادی؛ اعظمی، هادی (۱۳۹۰). ***تحلیل ملاحظات نظامی - امنیتی در آمایش و مکان گزینی مراکز و استقرار گاه‌های نظامی با تأکید بر استان خراسان رضوی***. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲ (۱۵).

زیاری، کرامت الله؛ سرخ کمال، کبری؛ زنجیرچی، سید محمود؛ کرمی، محمد (۱۳۹۱). ***نگرشی تحلیلی بر نظریه قطب رشد در توسعه منطقه‌ای: مطالعه موردی استان خراسان رضوی***. نشریه جغرافیایی آمایش محیط، ۱۷، تابستان.

قرائی آشتیانی، محمدرضا؛ عراقی، عبدالله؛ بوالحسنی، خسرو؛ معظمی، بابک (۱۴۰۱). ***مؤلفه‌ها و ویژگی‌های ژئواستراتژی مؤثر بر آمایش دفاع سرزمینی در مقابله با تهدیدات نظامی***. فصلنامه مطالعاتی دفاعی استراتژیک، سال ۲۳، شماره سوم.

قنبری جهرمی، محمدحسین (۱۳۹۴). ***تدوین راهبردهای دفاع از جزایر جمهوری اسلامی ایران در خلیج‌فارس*** (پایان‌نامه دکتری). دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران.

کلانتری، فتح‌الله و همکاران (۱۴۰۱). ***گونه‌شناسی آمایش سرزمینی استان‌های شمال کشور***، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک. سال بیستم. شماره ۸۸.

مظاهری‌نیا، محمد؛ مسلمی، امید؛ ریوندی، رضا (۱۴۰۱). ***مقاله پژوهشی: نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌های قدرت منطقه‌ای و جهانی با توجه به قلمرو ژئوپلیتیک خلیج‌فارس***. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۸۹ (۲۰).

معظمی، بابک؛ نعمت زاده، سیروس؛ سلیمی، یعقوب؛ ملکی، بهمن؛ سروش کاشانی، احسان؛ رضا اکبری، حسن (۱۴۰۰). ***الگوی راهبردی آمایش دفاع سرزمینی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدیدات نظامی***. دانشگاه عالی دفاع ملی.

موسوی میرنجف و بایرام‌زاده (۱۴۰۳). ***تحلیل فضایی روند نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران***. اطلاعات جغرافیایی، دوره ۳۱، شماره ۱۳۳.

References

David, F. R., (2017). *Strategic management: A competitive advantage approach, concepts and cases (16th ed.)*. Pearson.

Dzhurka, N. G. (2023). Interregional economic interactions in the light of central *place theory*. Economic Research Institute FEB RAS & Institute of Economics RAS. https://doi.org/10.1314

Parr, J. B. (1999). *Growth-pole strategies in regional economic planning: A retrospective view*. Part 1: Origins and advocacy. Urban Studies, 36(7), 1195–1215.

World Bank. (2022). *Growth poles and economic development: Policy recommendations*. World Bank Group.